

متفاوت تر

"ما" خیلی با "خیلی ها" فرق داریم

اتفاقا اصلا از آنهایی هم نیستیم که به "خیلی ها" کار دارن و گیر بدن!

"ما" راستش را بخواهید خیلی "آقایی" بودیم و هستیم و خواهیم بود خوشبختانه...

مثلا اصلا ما همان هایی هستیم که برایمان جوک ساختن که به اینها میگی ساعت چنده؟ میگن هر چی "آقا" بگه...

به ما خندیدن سالها، اما شاد نبودن! ولی ما با "آقامان" شادترین آدمیان عصرمان، محله مان، شهرمان، دانشگاهمان، خانوادمان بودیم...

از ما حرص می خوردن، مسخره مان می کردن، ولی ما قهقهه داشتیم و شاد بودیم؛ برای همین هرچه گذشت بیشتر و بیشتر شدیم...

طنین صدای آقایمان همیشه در ذهنمان بود که از جناب حافظ میگفت؛

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقت ما کافری است رنجیدن...

ما حتی وقتی اینستاگرام، صفحه ی "آقایمان" را بست، بی درنگ اینستاگرام را از گوشی هامان پاک کردیم و به سطل زباله انداختیم، روی آن چهره های مذهبی که انگار نه انگار و ادامه دادن... به ما چه اصلا، چه رنگی...!

القصه، برای همین هست که ما امسال "عید" نداریم

با لباس مشکی مان سال را نو خواهیم کرد، با اشک دعایش را خواهیم خواند...

تبریک نمی گوییم، شادباش سال نو نمی گوییم، عید فطر مبارک هم نمیگوییم! ما عزاداریم، پیکر مطهر "آقای شهیدمان" هنوز روی زمین است

عید دیدنی نداریم، گرچه همدیگر را خواهیم دید تا هوای یکدیگر را داشته باشیم، آن هم مقداری در روز، تا بعدش زود به سنگرهای جبهه ی خیابان برگردیم

خلاصه "ما" اینطوریم؛ مرده شور برد هر آشنا و فامیلی را که عزادار "آقای شهید ما" نیست، چه برسد به آنکه بخواهیم او را ببینیم...

کسی که "خورشیدِ عصرش" را نمی بیند، مملو از لجنزار است، دیدن ندارد